



منطق دهن پایش

(رشته های علوم انسانی و معارف اسلامی)

از مجموعه مرشد

اصغر حجازیان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

به نام فداوند جان و فرد کزین برتر اندیشه برنگزرد

دانش آموز گرامی

ورود شما را به دوره‌ی متوسطه تبریک می‌گوییم. این دوره، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده‌ی شغلی بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره‌ی سه‌ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسنديم که کتاب‌های پایش را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «مرشد» به حساب می‌آیند، برای دانش آموزانی به رشتہ‌ی تحریر درآمده است که مایلند در بهترین رشتہ‌های علوم انسانی دانشگاه‌های بنام کشور تحصیل کنند. کتاب «منطق دهم پایش» شما را برای شرکت در امتحانات و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها آماده می‌کند.

مؤلفان مجموعه‌ی پایش پس از ارائه درسنامه، بانک سوال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه‌ی پاسخ‌نامه‌ی تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد.

در پایان وظیفه‌ی خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، آقای اصغر حجازیان و دبیر محترم مجموعه، تشکر کنیم.

همچنین از خانم حمیده نوروزی که زحمت حروف‌چینی و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشتند و خانم بهاره خدامی (گرافیست) بسیار ممنونیم و برای همه‌ی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

انتشارات مبتکران

صفحه
عنوان
انسان و تفکر
درس اول:

| | |
|----|----------------------------------|
| ۷ | درس نامه |
| ۸ | پرسش های چهارگزینه ای |
| ۱۱ | پاسخ پرسش های چهارگزینه ای |

چگونه تعریف می کیم؟
درس دوم:

| | |
|----|----------------------------------|
| ۱۳ | درس نامه |
| ۱۴ | پرسش های چهارگزینه ای |
| ۱۸ | پاسخ پرسش های چهارگزینه ای |

تعریف و دنیای مفاهیم
درس سوم:

| | |
|----|----------------------------------|
| ۲۱ | درس نامه |
| ۲۳ | پرسش های چهارگزینه ای |
| ۲۷ | پاسخ پرسش های چهارگزینه ای |

اقسام ذاتی و عرضی (کلیات خمس)
درس چهارم:

| | |
|----|----------------------------------|
| ۳۰ | درس نامه |
| ۳۲ | پرسش های چهارگزینه ای |
| ۳۶ | پاسخ پرسش های چهارگزینه ای |

اقسام تعریف
درس پنجم:

| | |
|----|----------------------------------|
| ۳۹ | درس نامه |
| ۴۰ | پرسش های چهارگزینه ای |
| ۴۳ | پاسخ پرسش های چهارگزینه ای |

جاگاه قضیه در استدلال
درس ششم:

| | |
|----|----------------------------------|
| ۴۵ | درس نامه |
| ۴۶ | پرسش های چهارگزینه ای |
| ۴۹ | پاسخ پرسش های چهارگزینه ای |

اقسام قضایای حملی و شرطی

درس هفتم:

| | |
|----|----------------------------|
| ۵۱ | درسنامه |
| ۵۲ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۵۶ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |

احکام قضایای حملی

درس هشتم:

| | |
|----|----------------------------|
| ۵۸ | درسنامه |
| ۶۰ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۶۳ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |

استدلال و اقسام آن

درس نهم:

| | |
|----|----------------------------|
| ۶۵ | درسنامه |
| ۶۷ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۷۰ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |

اقسام قیاس (اقترانی و استثنایی)

درس دهم:

| | |
|----|----------------------------|
| ۷۲ | درسنامه |
| ۷۸ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۸۴ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |

ارزش قیاس

درس یازدهم:

| | |
|----|----------------------------|
| ۸۸ | درسنامه |
| ۹۰ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۹۲ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |

درس دوازدهم: محتوای استدلال و صناعات خمس

| | |
|-----|----------------------------|
| ۹۳ | درسنامه |
| ۹۸ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۱۰۲ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |

درس سیزدهم: مغالطه و اقسام آن

| | |
|-----|----------------------------|
| ۱۰۴ | درسنامه |
| ۱۰۶ | پرسش‌های چهارگزینه‌ای |
| ۱۰۸ | پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای |



درس اوّل



انسان و تفکر

- الف - ملاک برتری انسان: معیارها و ملاک‌های مختلف
- | | |
|--|--|
| ۱- عمومی‌ترین ملاک ۲- باسابقه‌ترین و تاریخی‌ترین ملاک ۳- در کتاب‌های منطق و فلسفه ۴- از دیدگاه ارسسطوئیان (پیروان فلسفه‌ای ارسسطو) | - رفتار و عمل انسان - اختیار و اراده - فطرت - تفکر و قدرت اندیشه ... و ... |
|--|--|

ارسطوئیان برای تأکید بر جایگاه ویژه‌ی تفکر، انسان را «حیوان ناطق» نامیده‌اند که این قدرت تفکر در سخن گفتن آشکار می‌شود.



نحو ظاهر: سخن گفتن و تکلم
اقسام «نحو» >
 نطق باطن: تفکر و اندیشه



ب - ساختار وجودی انسان > جسم
 با فعالیت هدفمند و قانونمند > روح

منطق، فقط با **«روح»** سروکار دارد چون «تفکر» مهم‌ترین فعالیت روح است و منطق، قواعد حاکم بر تفکر.



پ - منطق و ارسسطو:

- ۱- تعریف منطق: قواعد حاکم بر دنیای تفکر ← منطق تکوینی و طبیعی
- ۲- تعریف علم منطق: دانش تشریح طرز کار طبیعی ذهن درباره‌ی تفکر ← منطق تدوینی
- ۳- فایده‌ی علم منطق: بهره‌برداری از روند تفکر / تفکر دقیق‌تر، سریع‌تر، درست‌تر، با خطای کم‌تر.
- ۴- معلم اول ارسسطو، به عنوان **کاشف و مدوّن** منطق است و نه سازنده و مؤسس آن.

۱- درباره‌ی این که ملاک برتری انسان نسبت به سایر حیوانات چیست؟ چه ملاک و پاسخی را می‌توان دریافت کرد؟

- ۲) پاسخ‌ها و معیارهای گوناگون
- ۳) معیار عمل و رفتار انسان
- ۴) برحورداری از اراده و اختیار
- ۱) ملاک تفکر و قدرت اندیشه

۲- مقصود از «نطّ» در آثار منطقی و فلسفی است که در تجلی می‌یابد. عمومی‌ترین و باسابقه‌ترین ملاک برتری انسان نسبت به سایر حیوانات چیست؟

- ۲) سخن گفتن - تفکر و تعقل - قدرت تفکر و اندیشه
- ۳) تفکر و تعقل - سخن گفتن - کیفیت سخنگو بودن
- ۴) سخن گفتن - تفکر و تعقل - عمل و رفتار انسان

۳- پیروان مبانی اصلی معلم اول را ارسطوئیان می‌نامیدند که برای تأکید بر جایگاه انسان را تعریف کرده‌اند.

- ۲) فلسفه، روح، حیوان ناطق
- ۳) منطق، روح، حیوان متفکر
- ۴) فلسفه، اندیشه، حیوان ناطق
- ۱) منطق، اندیشه، حیوان متفکر

۴- «هدفداری و قانونمندی» ویژگی کدام جنبه از ساختار وجودی انسان است؟

- ۱) وجود انسان، متشکل از جسم و روح است ولی این ویژگی‌ها بر «روح» انسان حاکم است.
- ۲) وجود انسان، متشکل از جسم و روح است ولی این ویژگی‌ها بر «جسم» انسان حاکم است.
- ۳) فعالیت روح و جسم آدمی کاملاً هدفدار و قانونمند می‌باشد.
- ۴) فعالیت روح و جسم آدمی کاملاً طبیعی و خدادادی بوده و تابع هیچ ضابطه و قانونی نیست.

۵- مهم‌ترین فعالیت روح انسان، است و نقش «منطق» در این باره است.

- ۱) استدلال - تبیین قواعد استدلال درست
- ۲) اندیشیدن - تبیین قواعد حاکم بر آن
- ۳) تفکر - تبیین اقسام تفکر
- ۴) تعریف - تبیین شرایط تعریف درست

۶- از مقایسه‌ی «قلب و ذهن» می‌توان گفت:

- ۱) هر دو در چهارچوب قوانینی فعالیت می‌کنند.
- ۲) کارکرد قلب، بطور طبیعی بوده ولی ذهن، به صورت اکتسابی است.
- ۳) هر دو از نیروی اراده و اختیار انسان پیروی می‌کنند.
- ۴) دانش و آگاهی ما نمی‌تواند به استفاده‌ی بهتر از این اعضا منجر شود.

۷- موارد زیر درباره‌ی فایده‌ی علم منطق، درست است به جز

- ۱) منطق فقط می‌تواند ما را با طرز کار ذهن آشنا کند تا از آن بهتر استفاده کیم.
- ۲) منطق ما را به استفاده‌ی بهتر و دقیق‌تر و سریع‌تر از قدرت تفکر می‌رساند.
- ۳) منطق می‌تواند باعث شود انسان ضوابط و قواعد تفکر را بشناسد و از آن درست استفاده کند.
- ۴) منطق، برنامه‌ای است که یک دانشمند می‌سازد تا به دیگران بگوید این گونه فکر کنید.

۸- چرا نمی‌توان ارسطو را ابداع‌کنندهٔ منطق دانست؟ زیرا:

۱) پیش از او، فیلسفانی نظری سقراط و افلاطون، به این مهم رسیده بودند.

۲) پس از او، فیلسفانی نظری افلاطین و فارابی، به این مهم رسیده بودند.

۳) منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و ارسطو فقط، بنیان‌گذار قواعد منطق است.

۴) طرز کار ذهن، خدادادی است و ارسطو فقط این فرآیند را کشف کرد.

۹- تفکر انسان با خلقتش آغاز می‌شود لیکن اصول و قواعد حاکم بر تفکر توسط و از کشف شد.

۱) افلاطون - قرن ۵ ق.م ۲) ارسطو - قرن ۴ ق.م ۳) ارسطو - قرن ۵ ق.م ۴) افلاطون - قرن ۴ ق.م

۱۰- «منطق» چگونه علمی است؟

۱) دانش ابداع طرز کار ذهن برای تفکر بهتر

۲) آموزش تولید و توسعهٔ دانش با اصول درست اندیشیدن

۳) قواعد حاکم بر دنیای تفکر

۱۱- نسبت معلم اول ارسطو به منطق، همانند نسبت به نیست.

۱) گراهام بل - تلفن

۲) نیوتون - جاذبه

۳) ویلیام هاروی - گردش خون

۴) گالیله - گردش زمین به دور خورشید

۱۲- شرط زنده بودن ذهن در چیست و رعایت ضوابط حاکم بر آن چگونه است؟

۱) توجه به ساختار جسمانی و روحانی انسان - طبیعی و خدادادی

۲) توجه به ساختار جسمانی و روحانی انسان - ارادی و اختیاری

۳) تفکر و اندیشه کردن - طبیعی و خدادادی

۴) تفکر و اندیشه کردن - ارادی و اختیاری

۱۳- اساس تفکر در انسان، ارادی و وظیفهٔ «علم منطق» می‌باشد.

۱) نیست - آشنایی انسان با طرز کار ذهن

۲) است - آشنایی انسان با طرز کار ذهن

۳) است - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن

۴) نیست - به دست دادن قوانین و ضوابط درست اندیشیدن

۱۴- با توجه به این که منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد، کدام مورد درست نیست؟

۱) انسان به حکم این که انسان است، منطقی است.

۲) همه انسان‌ها کم و بیش منطقی فکر می‌کنند.

۳) نیستند - کمک در جهت متفکر ساختن انسان‌هاست.

۴) آگاهی و اراده، نقش چندانی در تفکرات ما ندارند.

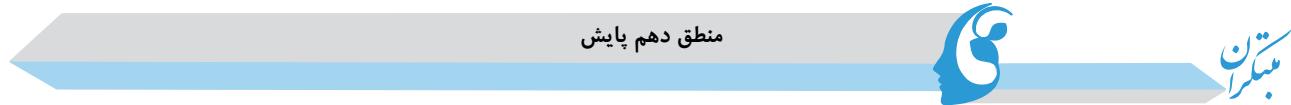
۱۵- همهٔ انسان‌ها از نظر منطقی، متفکر و کار منطق

۱) هستند - افزودن سرعت، دقیق و کیفیت تفکر است.

۲) نیستند - کمک در جهت متفکر ساختن انسان‌هاست.

۳) هستند - این است که قوانین درست تفکر را آموخته دهد.

۴) نیستند - آموختش بهره‌برداری بهتر از فرآیند ذهن است.



۱۶-دانش و آگاهی ما نسبت به بدن و اعضای جسمانی و روحانی، چه تأثیری دارد؟

- ۱) تنها می‌تواند به استفاده‌ی بهتر از آن‌ها منجر شود.
- ۲) موجب کارکرد بدن و اعضای جسمانی و روحانی
- ۳) جلوگیری از اتلاف انرژی و سرمایه
- ۴) ایجاد کارکردهای جسمانی و روحانی و هم استفاده‌ی بهتر از آن‌ها

۱۷-منطق با کدام‌یک از ابعاد وجودی انسان سروکار دارد؟ چرا؟

- ۱) جسم، چون قابلیت شناسایی و تدوین دارد.
- ۲) جسم، چون امکان بررسی به روش علمی و تجربی دارد.
- ۳) روح، چون مهم‌ترین کارکرد روح، موضوع اصلی منطق است.
- ۴) روح، چون قابلیت شناسایی و تدوین دارد.

۱۸-درباره‌ی منطق و علم منطق می‌توان گفت:

- ۱) نه منطق، ابداع‌کننده و بنیانگذار دارد، نه علم منطق.
- ۲) بررسی عوامل تسریع یا کندی تفکر مربوط به منطق است، نه علم منطق.
- ۳) منطق به ما کمک می‌کند تا از هرگونه خطای فکر پیشگیری کنیم.
- ۴) ذهن کاری جزء تفکر ندارد و خواسته یا ناخواسته در چارچوب قوانینی فعالیت می‌کند.

۱۹-کدام عبارت درباره‌ی ملاک برتری انسان، مناسب‌تر است؟

- ۱) اسطوره‌یان همگی انسان را حیوانی می‌دانند که قادر به سخن گفتن است.
- ۲) اندیشمندان به اتفاق، ملاک برتری انسان را قدرت اندیشه‌اش دانسته‌اند.
- ۳) انسان حیوانی است که ابتدا اندیشیدن را می‌آموزد و سپس سخن گفتن را، پس حیوان ناطق است.
- ۴) معمولاً و غالباً اندیشه، عامل برتری انسان شمرده شده است؛ اما نظرهای دیگری نیز وجود دارد.

۲۰-کدام مورد درباره‌ی قدرت تفکر انسان درست نیست؟

- ۱) وجود آن در آدمی ارادی نیست.
- ۲) قابل پرورش و تربیت است.
- ۳) به جز افرادی خاص، همه‌ی آدمیان از آن برخوردارند.
- ۴) قوانینی دارد که ارادی یا مورد توجه ما نیست.



پاسخ تشریحی
پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- گزینه‌ی ۲ چه تفاوت‌هایی با دیگر مخلوقات عالم داریم که بر آن‌ها برتری یافته‌ایم؟ پاسخ‌های **گوناگون و متفاوتی** به ملاک برتری انسان بر سایر موجودات داده شده؛ برخی عمل و رفتار انسان را ملاک برتری می‌دانند و گروهی قدرت تفکر او را بعضی به عوامل دیگر اشاره می‌کنند. بنابراین پاسخ‌ها و عوامل گوناگون داده شده اما آنچه عمومیت یافته است قدرت تفکر و اندیشه است.

۲- گزینه‌ی ۱ معمولاً در کتاب‌های منطقی و فلسفی از قدرت تفکر و اندیشه به نطق یاد می‌کنند. مقصود از نطق در اینجا سخن گفتن نیست، بلکه مقصود تفکر و تعقل است که در سخن گفتن تجلی می‌کند.

نکته
 ارسطو در کتاب *حیات خودش* می‌گوید: نطق برای آن استعمال می‌شود که درست و نادرست را اعلام کند (و این یعنی همان قدرت تفکر و اندیشه).

۳- گزینه‌ی ۴ ارسطو را معلم اول می‌نامند. در تاریخ فلسفه به کسانی که مبانی اصلی فلسفه ارسطو را پذیرفته‌اند ارسطوئیان می‌گویند. آنها برای تأکید بر جایگاه رفیع **اندیشه** در ساختار وجود انسان، انسان را حیوان ناطق نامیده‌اند.

۴- گزینه‌ی ۳ وجود ما آمیخته‌ای از روح و جسم است و هر کدام از این دو بر اساس قوانین خاصی فعالیت می‌کنند. در عین حال فعالیت **هر دو هدفدار و قانونمند** است (هم جسم و هم روح، نه فقط روح).

۵- گزینه‌ی ۲ تفکر مهمترین فعالیت روح انسان است و منطق قواعد حاکم بر دنیای تفکر. نقش منطق بهره‌برداری بهتر از فرآیند تفکر و تبیین قواعد حاکم بر آن است.

۶- گزینه‌ی ۱ هر کدام از این دو بر اساس قوانین خاصی فعالیت می‌کنند. هم قلب (جسم) و هم ذهن (روح)

۷- گزینه‌ی ۴ منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس ابداع‌کننده (سازنده / طراح) آن نیست. لذا **برنامه‌ای** نیست که یک دانشمند بسازد و به دیگران بگوید این گونه فکر کنید و با این روش بیندیشید.

۸- گزینه‌ی ۴ منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس ابداع‌کننده آن نیست. همان‌طور که هیچ انسانی عامل و ابداع‌کننده‌ی طرز کار قلب نمی‌باشد. بنابراین **نمی‌توان** ارسطو را ابداع‌کننده منطق دانست، کاری که آن فیلسوف انجام داد، این بود که طرز کار خدادادی ذهن را کشف و سپس تدوین کرد.

۹- گزینه‌ی ۲ ارسطو به عنوان کاشف اصول و قواعد حاکم بر تفکر، سده‌ی چهارم پیش از میلاد می‌زیست.

۱۰- گزینه‌ی ۴ علم منطق، دانشی است که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند تا انسان با آگاهی از طرز کار ذهن بهتر از آن استفاده کند و این آگاهی و آشنایی‌ها را در درست اندیشیدن یاری می‌نماید و مانع بروز **برخی اشتباهات** در هنگام تفکر می‌گردد. (فایده‌ی منطق)

۱۱- گزینه‌ی ۱ گراهام بل، **سازنده و مخترع** تلفن است، حال آن‌که ارسطو، **كاشف** منطق است نه مبدع و سازنده‌ی آن.

۱۲- گزینه‌ی ۳ ذهن با اندیشه کردن زنده است و کاری جز تفکر ندارد. این تفکر ضوابطی دارد که ذهن **به طور طبیعی** آن را رعایت می‌کند. (غیراکتسابی)



۱۳- گزینه‌ی ۱ انسان چه بخواهد و چه نخواهد وجودی متفکر است (غیرارادی). وظیفه‌ی منطق تشریح و آشنایی انسان با طرز کار ذهن است.

۱۴- گزینه‌ی ۴ هرچند اگر به طرز کار ذهنمان آگاهی نداشته باشیم، ذهن کارکردش (تفکر) را از دست نمی‌دهد اما دانش و آگاهی ما می‌تواند به استفاده‌ی بهتر از ذهن و کارکرد آن بینجامد لذا تأثیر دارد.

۱۵- گزینه‌ی ۱ از همین جهت است که در تعریف انسان می‌گوییم حیوان ناطق (متفکر) چه بخواهیم چه نخواهیم، موجودی متفکر هستیم و قواعد منطق باعث می‌شود سریع‌تر، بهتر و دقیق‌تر بیندیشیم.

۱۶- گزینه‌ی ۱ دانش و آگاهی انسان، تنها می‌تواند به استفاده‌ی بهتر از آن‌ها منجر گردد ولی انسان کارکرهای جسمانی و روحانی خود را همچنان خواهد داشت.

۱۷- گزینه‌ی ۳ تفکر، مهم‌ترین فعالیت روح است و چون منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است لذا صرفاً با روح سروکار دارد، نه جسم.

۱۸- گزینه‌ی ۴ منطق مانع بروز **برخی** اشتباهات است، نه همه‌ی خطاهای بررسی عوامل تسریع، بهبود و یا کندی و نارسایی تفکر به **علم منطق** مربوط می‌شود. منطق چون از ذات انسان، تراویش می‌کند، مبدع و مؤسس ندارند (منطق تکوینی) ولی علم منطق را ارسطو، تأسیس کرد (منطق تدوینی).

۱۹- گزینه‌ی ۴ پیروان فلسفه‌ی ارسطو، برای تأکید بر جایگاه رفیع اندیشه، انسان را «حیوان ناطق» نامیده‌اند ولی همه‌ی اندیشمندان یک معیار را ملاک برتری انسان ندانسته‌اند. حیوان ناطق بودن انسان به سخنگو بودنش نیست.

۲۰- گزینه‌ی ۳ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، موجودی متفکر هستیم. این تفکر ضوابطی دارد که ذهن به طور طبیعی آن‌ها را رعایت می‌کند.

آیا از «جنگ» بدتر هم هست؟

آری؛

کسی که چیزی ندارد که برایش بجنگد.



درس دوم



چگونه تعریف می کنیم؟

کل علم و اقسام آن

الف - تعریف «علم»: صورت ذهنی از هر چیز > صورت محسوس: بو، طعم و مزه، رنگها و ...
صورت معقول: مفاهیم

ب - اقسام «علم»: نخستین بار معلم ثانی «فارابی» علم را به **تصور و تصدیق** تقسیم کرد.

راه تشخیص: هرگاه «جمله خبری» باشد ← تصدیق (در غیر این صورت: تصویر)



کل تفکر و اقسام آن

الف - تعریف «تفکر»: مرتب ساختن معلومات با کشف مجهول / رسیدن به شناخت و یا توسعهی علم.

معلوم کردن تصویر مجهول با تصورات معلوم
روند پاسخ به چیستی ها / ترکیب قانونمند مفاهیم > ۱- تفکر تصویری یا تعریف:
معلوم کردن تصدیق مجهول با تصدیقات معلوم
روند پاسخ به چراها / ترکیب قانونمند قضایا > ۲- فکر تصدیقی یا استدلال:

ب - اقسام تفکر:

با آوردن مثال و نمونهی بیرونی
با ابزار و اسباب آزمایشگاهی
با ارائهی مفاهیم (تعریف کردن)



۲- هر مفهومی قابل تعریف کردن نیست: مفاهیم بدیهی، قابل تعریف نیستند چون بالذات روشن‌اند و پر واضح. مانند چیز (جوهر)، واحد (وحدت)، وجود (هستی)، شیرینی و ...

۳- تعریف برخی مفاهیم نظیر آزادی، خوشبختی و دینداری، دشوار است. به سبب:
(۱) پیچیدگی خود آن مفاهیم
(۲) برداشت‌های مختلف از آن‌ها

۴- دروازه‌ی ورود به هر علم: آشنایی و تعریف مفاهیم آن علم است و کار منطق، تعریف مفاهیم هر علمی نیست؛ بلکه بیان قواعد درست تعریف کردن برای آن علوم است. اگر احیاناً به تعریف یک مفهوم علمی می‌پردازد، صرفاً از باب «آموزش» است.

۱- تفکر، امری است لیکن آن، جنبه‌ی ارادی و اختیاری دارد.

- | | |
|-----------------------------------|---|
| ۲) طبیعی و ذاتی - مسایل و موضوعات | ۱) غیررادی و غیراختیاری - اقسام و ضوابط |
| ۴) طبیعی و ذاتی - شرایط تعریف | ۳) غیررادی و غیراختیاری - قواعد تعریف |

۲- «تفکر» از چه ابعادی دارای اهمیت است؟

- | | |
|--------------------------|--|
| ۲) رسیدن به شناخت و دانش | ۱) رسیدن به شناخت و توسعه‌ی علم |
| ۴) رسیدن به مفاهیم مجهول | ۳) رسیدن به شناخت‌های جدیدتر و توسعه‌ی علم |

۳- نخستین بار علم را به تصور و تصدیق تقسیم کرد و روش او مورد قبول حکیمان و منطق‌دانان پس از وی قرار گرفت. آن جا که «حكم و قضاوت» وجود دارد، شکل می‌گیرد و یانگر «چیستی» مفاهیم، همان است.

- | | |
|--|--|
| ۲) ابونصر محمد فارابی - تصور - تعاریف | ۱) ارسطو حکیم یونانی - تصور - تعاریف |
| ۴) ابونصر محمد فارابی - تصدیق - تصورات | ۳) ابونصر محمد فارابی - تصدیق - تصورات |

۴- براساس اقسام علم و ادراک، صورت ذهنی بدون حکم و قضاوت را می‌نامند مانند

- | | |
|-----------------------|-------------------|
| ۳) تصدیق، مردی که آمد | ۲) تصدیق، مرد آمد |
| ۴) تصور، مردی که آمد | ۱) تصور، مرد آمد |

۵- کدام دسته از معلومات زیر همگی «تصور» هستند؟

- | | |
|--|---|
| ۲) منطق، دنیا کوچک است، شجاعت | ۱) باهوش بودن حسن، خورشید، شوری ناهار امروز |
| ۴) حکم به خزندۀ نبودن گاو، جزیره، این کودک | ۳) دریای خون، ملت شریف ایران، امام آمد |

۶- برای رسیدن به یک مفهوم و تصور، از بهره می‌بریم و راه رسیدن به یک حکم و تصدیق جدید، است.

- | | |
|--------------------------|----------------------------|
| ۲) چیستی، تعریف، تعریف | ۱) چرایی، استدلال، استدلال |
| ۴) چیستی، تعریف، استدلال | ۳) چرایی، تعریف، استدلال |

۷- مجموع تصورات معلومی که منجر به معلوم شدن مفهوم دیگری می‌شود و تصور مجهول معلوم شده و مجموعه‌ی این فرآیند ذهنی را گویند.

- | | | | |
|------------------------|------------------------|---------------------------|--------------------------|
| ۱) معرفَ، معرفَ، تعریف | ۲) معرفَ، معرفَ، تعریف | ۳) مقدمه، مقدمات، استدلال | ۴) مقدمه، نتیجه، استدلال |
|------------------------|------------------------|---------------------------|--------------------------|

۸- به اعتراف تمام فعالیت‌های ذهن بشر، ضمن بودن، در مسیر عمل می‌کند.

- | | |
|---|--|
| ۲) فارابی، ساده و طبیعی، تعریف و استدلال | ۱) فارابی، ساده و طبیعی، تعریف و استدلال |
| ۴) ارسطو، ساده و طبیعی، کشف و توسعه‌ی علم | ۳) ارسطو، پیچیده و گسترده، تعریف و استدلال |

۹- کارکردها و موضوعات علم منطق چیست و آدمی چه هنگام می‌تواند مرتكب خطای فکر شود؟

- | | |
|---|--|
| ۱) تفکر و استدلال - هنگام سازماندهی احکام و قضایا برای رسیدن به نتایج جدید | ۲) تعریف و استدلال - هنگام روشن کردن تصورات مجهول با اندوخته‌های پیشین |
| ۳) تعریف و استدلال - هنگام روشن کردن تصورات مجهول یا در رسیدن به نتایج جدید | ۴) تفکر و تعریف - هنگام سازماندهی احکام و قضایا یا در رسیدن به اندوخته‌های پیشین |



۱۰- از چه موردی به عنوان «دوازه‌ی ورود به هر علم» یاد می‌کنند و منطق در این باره چه نقشی دارد؟

- ۱) تعریف اصطلاحات و مفاهیم آن علم - تبیین قواعد تعریف
- ۲) آشنایی با مفاهیم اصلی و قضایای آن علم - تبیین تعریف دقیق
- ۳) تعریف اصطلاحات و مفاهیم آن علم - تعریف درست هر مفهوم علمی
- ۴) آشنایی با مفاهیم اصلی و قضایای آن علم - تبیین قواعد تعریف و استدلال درست

۱۱- با توجه به کارکردهای اصلی منطق می‌توان گفت، هدف «منطق»:

- ۱) آموزش شیوه‌ی درست اندیشیدن است.
- ۲) درست تعریف کردن مفاهیم مجھول است.
- ۳) درست استدلال کردن قضایای مجھول است.
- ۴) آموزش طرز کار طبیعی ذهن است.

۱۲- تعریف «دایره» به «شکل منحنی الدور»، «انسان» به «حیوان دوپا» و «شتر» به «حیوان دوکوهانه»، به ترتیب چگونه است؟

- ۱) تعریف «دایره و انسان»، اعم بوده و مانع نیست ولی تعریف «شتر»، اخص بوده و جامع نیست.
- ۲) تعریف دایره، انسان و شتر، همگی اخص بوده و شامل همه‌ی افراد معروف خویش نمی‌شود.
- ۳) تعریف دایره، انسان و شتر، همگی اعم بوده و مانع دخول اغیار نیست و افراد اضافه را دربرمی‌گیرد.
- ۴) تعریف دایره، انسان، اخص بوده و جامع همه‌ی افراد معروف خویش نیست ولی تعریف شتر، اعم بوده و مانع نیست

۱۳- بیت «چون سر و کارت با کودک فتاد هم زبان کودکی باید گشاد» به کدام قاعده‌ی تعریف تأکید می‌کند؟

- ۱) جامع و مانع بودن تعریف
- ۲) استفاده از حداقل یک مفهوم درونی در تعریف
- ۳) استفاده از مفاهیم روشی و غیرمبهتم در تعریف
- ۴) استفاده از مفاهیم مرتبه در تعریف

۱۴- تعریف «آتش» به «عنصری شبیه نفس انسان» و تعریف «شیعه» به «مسلمانی که قایل به دوازده امام باشد» به ترتیب موصوف به کدام وصف است؟
(سراسری ۸۸ با اندرکی هزف)

- ۱) معروف اخص از معروف است - معروف اعم از معروف است.
- ۲) معروف اجلی از معروف نیست - معروف اخص از معروف نیست.
- ۳) معروف اعم از معروف است - معروف اخص از معروف است.
- ۴) معروف، اجلی از معروف نیست - معروف اخص از معروف است.

۱۵- آن‌گاه که گفته می‌شود «تعریف به اعم جایز نیست و تعریف به اخص هم جایز نیست». به ترتیب کدام یک از شرایط تعریف می‌شود؟
(سراسری فارج کشور ۱۶)

- ۱) جامع افراد باشد - مانع دخول اغیار باشد.
- ۲) اجلی از معروف باشد - مانع دخول اغیار باشد.
- ۳) اجلی از معروف باشد - جامع افراد باشد.
- ۴) مانع دخول اغیار باشد - جامع افراد باشد.

۱۶- سخن از واقعیت یا عدم واقعیت یک مفهوم با استفاده از است و چیزی است که مفهوم را روشن می‌کند.
(سراسری فارج کشور ۹)

- ۱) تصدیق - استدلال - هستی
- ۲) تصور - تصدیق - هستی
- ۳) تصور - تعریف - چیستی
- ۴) تصدیق - تعریف - چیستی

۱۷- چرا تعریف برخی مفاهیم نظری آزادی، دینداری، کشور، زندگی و مشکل و دشوار است؟ به علت:

- ۱) پیچیدگی و گستردگی این مفاهیم
- ۲) پیچیدگی و برداشت مختلف از این مفاهیم
- ۳) بدیهی و بالذات روشی بودن این مفاهیم
- ۴) سادگی و گستردگی این مفاهیم



۱۸-وظیفه‌ی منطق در بحث تصورات، است و در صورت بیان تعریف یک مفهوم علمی، از باب است.

- ۲) تبیین پنج قاعده‌ی تعریف - کارکرد اصلی
- ۴) تعریف و تبیین اشیا - کارکرد اصلی
- ۳) تبیین پنج قاعده‌ی تعریف - آموزش
- ۱) تعریف و تبیین اشیا - آموزش

۱۹-تعریف «تصور»، به «کاری که برای رسیدن به چیستی یک مفهوم انجام می‌دهیم»، تعریف است.

- ۴) به شرح اسم
- ۳) به حد ناقص
- ۲) به حد تام
- ۱) نادرستی

۲۰-در تعریف «مثلث»، «فعل» و «تصور» به «سه پاره خط که یکدیگر را در سه نقطه قطع می‌کنند» و «کلمه‌ای که انجام کاری یا

وقوع حالتی را بیان می‌کند» و «یکی از اقسام فکر» به ترتیب می‌توان گفت

- ۲) صحیح است - جامع نیست - مانع نیست
- ۴) بی‌ربط است - جامع نیست - بی‌ربط است
- ۳) بی‌ربط است - مانع نیست - بی‌ربط است
- ۱) صحیح است - جامع نیست - مانع نیست

۲۱-در تعریف، اگر از مفهوم ذاتی استفاده نشود

- ۲) مجهول معلوم نمی‌شود.
- ۴) باید از چند عرضی استفاده شود.
- ۳) تعریف به حد نشده است.
- ۱) تعریف جامع نیست.

۲۲-در مورد تعریف «آب» به «مایع شفاف» و «اسم» به «کلمه‌ای که معنای مستقلی دارد»، به ترتیب می‌توان گفت:

- ۲) حد ناقص است - مانع نیست
- ۴) جامع و مانع نیست - جامع و مانع نیست
- ۳) حد ناقص است - جامع و مانع نیست
- ۱) حد ناقص است - مانع نیست

۲۳-استفاده از قواعد تفکر تنها راه شناخت و اولین قدم برای فراگیری یک دانش، آشنایی با آن می‌باشد.

- ۴) نیست - اصطلاحات
- ۳) نیست - مسائل
- ۲) است - مسائل
- ۱) است - اصطلاحات

۲۴-استدلال با کلمه‌ی آغاز می‌شود و استفاده از آن، نیاز به آموزش

- ۴) چرا - دارد
- ۳) چون - دارد
- ۲) چون - ندارد
- ۱) چون - ندارد

۲۵-همه‌ی استدلال‌ها از ضوابط خاصی پیروی و استفاده‌ی انسان از استدلال،

- ۲) نمی‌کنند - همواره آگاهانه نیست.
- ۴) نمی‌کنند - بدون توجه امکان‌پذیر نیست.
- ۳) نمی‌کنند - در مواردی ناآگاهانه است.
- ۱) نمی‌کنند - همواره آگاهانه نیست.

۲۶-وقتی با واقعیت مفهوم سروکار پیدا می‌کنیم، پایی یک به میان می‌آید، که

- ۲) جمله - از سه تصور تشکیل شده است.
- ۴) تصور - درباره‌ی هستی آن سؤال شده است.
- ۳) تصدیق - به معنای «جمله» در دستور زبان است.
- ۱) تصدیق - در آن نوعی قضاؤت وجود دارد.

۲۷-تعریف مفاهیمی مانند «زندگی» و «انسانیت»

- ۱) هرگز عملی یا امکان‌پذیر نمی‌گردد.
- ۳) به دلیل بداحت، امکان‌پذیر نیست.
- ۲) مصاديق متعددی نداشته باشد.

۲۸-تعریف باید جامع باشد؛ یعنی

- ۱) مصاديق متعددی نداشته باشد.
- ۳) افراد معرف خارج از آن قرار نگیرند.
- ۲) مفاهیم بی‌ارتباط را دربرنگیرد.

(سراسری فارج کشور ۹۳)



۲۹-در تصور « فعل »، از میان مفاهیم « دارای معانی مختلف »، « کلمه » و « فعل »، تصور می شود. (سراسری فارج کشور ۹۳)

- ۱) ابتدا « کلمه »، سپس « فعل » و پس از آن « دارای معانی مختلف »
- ۲) ابتدا « فعل »، سپس « کلمه » و بعد از آن « دارای معانی مختلف »
- ۳) ابتدا « کلمه »، سپس « دارای معانی مختلف » و بعد از آن « فعل »
- ۴) « کلمه » و « فعل » با یکدیگر و « دارای معانی مختلف » پس از آنها

۳۰-در چه صورتی تعریف می تواند حقیقت و ماهیت مفهوم مجهول را دربرگیرد تا بتوانیم تعریف دقیقی ارائه کرده و مجهول خود را روشن کنیم؟

- ۱) هرگاه مفاهیمی که در تعریف به کار می بردیم، همه یا بخشی از محتوای درونی مفهوم مجهول را بیان کند.
- ۲) هنگامی که کلمات به کار رفته در ترکیب تعریف، به طور کامل همه‌ی افراد و مصادیق مجهول ما را در برگیرد.
- ۳) هنگامی که ترکیب مفاهیم تعریف از کلی تر شروع کرده و به مفاهیم جزئی تر بررسیم.
- ۴) هرگاه از مفاهیم مرتبط استفاده کرده و از کلماتی استفاده کنیم که برای مخاطب روشن باشد.

۳۱-برخی تصورات به سبب پیچیدگی یا برداشت‌های مختلف از آنها

- ۱) قابل تعریف نیستند.
- ۲) به سختی تعریف می شوند.
- ۳) در جامعه‌ی خود به سادگی تعریف می شوند.
- ۴) نیاز به اثبات و استدلال دارند.

۳۲-شناخت یک مفهوم با دیدن مصدق خارجی آن نام دارد و از اقسام تفکر شمرده

- ۱) احساس - می شود
- ۲) احساس - نمی شود
- ۳) تصدیق - نمی شود
- ۴) تعریف - می شود

۳۳-کدام مورد عبارت زیر را به درستی کامل می کند؟ (سراسری فارج کشور ۹۵)

- « تعریف یک مفهوم مجهول با استفاده از مفاهیم ناشناخته، امکان پذیر »
- ۱) نیست؛ زیرا در آن صورت معروف و معروف نیستند.
 - ۲) است؛ به شرط آن که از چند مفهوم معلوم هم استفاده شود.
 - ۳) است؛ به شرط آن که یک مفهوم درونی هم وجود داشته باشد.
 - ۴) نیست؛ بنابراین بررسی سایر شرایط چنین تعریفی بی معنا است.

۳۴-کدام عبارت درباره‌ی « تعریف »، درست است؟ (سراسری فارج کشور ۹۵)

- ۱) شناسایی مفاهیم جدید به کمک آن صورت می گیرد اما نقشی در گسترش دانش ندارد.
- ۲) در کاربرد آن لازم است به معلومات کسی که تعریف برای او انجام می شود، توجه شود.
- ۳) در منطق، بیش از سایر دانش‌ها و در دانش‌ها بیش از زندگی عادی، استفاده دارد.
- ۴) هیچ‌یک از مفاهیم و تصورات، بدون استفاده از آن برای ذهن معلوم نمی شود.

۳۵-خطا در کدام مورد واقع می شود؟

- ۱) تصور
- ۲) فکر
- ۳) علم
- ۴) تصدیق

۱- گزینه‌ی ۲ فکر کردن ذاتی انسان است و از او جدا نمی‌شود. این گونه هم نیست که اراده کنیم و سپس بیندیشیم یا نه. اما می‌توانیم **مسائل و موضوعات** مورد تفکر خود را انتخاب کنیم.

۲- گزینه‌ی ۱ تفکر برای رسیدن به دانش و **شناخت** است. انسان فکر می‌کند با فکر کردن به شناخت‌های جدیدی می‌رسد و علم خود را توسعه می‌دهد. گزینه‌های ۲ و ۳ نیز درست است ولی گزینه‌ی ۱ جامع هر دو گزینه است.

۳- گزینه‌ی ۲ معلم ثانی فارابی برای اولین بار تقسیم‌بندی **علم** به تصور و تصدیق را بیان کرد. در تصدیق، حکم و قضاوت وجود دارد. کاری که برای رسیدن به چیستی یک مفهوم و یک تصور انجام می‌دهیم **تعریف** نام دارد.

۴- گزینه‌ی ۴ در تصور، کاری نداریم که آن مفهوم واقعیت دارد یا ندارد. لذا در تصور، حکم و قضاوت وجود ندارد. **مردی که آمد**، یک جملهٔ ناقصی است که حکمی در آن وجود ندارد و در صورت کامل شدن، آن را تصدیق محسوب می‌کنیم. مثلاً **مردی که آمد، چاق است**.

اگر جملهٔ خبری نباشد «تصور» است و اگر جملهٔ خبری داشتیم، تصدیق می‌باشد.
اقسام تصور:

(۱) لفظ مفرد: اسم، فعل، حرف

(۲) نسبت در خبر: در صورتی که نسبت با شک بیان شود. در غیر این صورت تصدیق است. مثال: مریخ مسکونی است!

(۳) نسبت در انشاء: امر، نهی، آرزو، استفهام

(۴) مرکب ناقص: مضاف و مضاف‌الیه، شبه مضاف، صفت و موصوف و صله و موصول

۵- گزینه‌ی ۱ در هیچ یک از این موارد حکمی وجود ندارد. در حالی که: دنیا کوچک است، امام آمد و حکم به خزنه نبودن گاو، همگی تصدیق‌اند.

جملاتی که به صورت مصدری هستند نیز «تصور» محسوب می‌شوند چون حکم و نسبتی وجود ندارد.
نکته
با هوش بودن حسن ≠ حسن با هوش است! (تصدیق)

۶- گزینه‌ی ۴ برای روشن شدن و رسیدن به چیستی یک مفهوم و تصور از **تعریف** استفاده می‌کنیم و برای پاسخ به **چرا** و رسیدن به حکم و تصدیق جدید از **استدلال** استفاده می‌شود:

- انرژی اتمی چیست؟ (تعریف می‌خواهد.)

- چرا انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست؟ (استدلال می‌خواهد.)

۷- گزینه‌ی ۱ اگر تصورات مجھول با اندوخته‌های تصوری ذهن روشن شود، این تعریف نام دارد. نام دیگر تعریف، معرف است (اسم فاعل = تعریف کننده) و تصور مجھول معلوم شده معرف نام دارد. (اسم مفعول = تعریف شده):

منطق = دانش تشریح طرز کار ذهن برای تفکر بهتر.
معرف

۸- گزینه‌ی ۳ معلم اول ارسطو کشف کرد که تمام فعالیت‌های ذهن بشر، علی‌رغم گستردگی و پیچیدگی آن، در مسیر تعریف و استدلال عمل می‌کند (۲ کارکرد اصلی ذهن).



۹- گزینه‌ی ۳ مباحث علم منطق در تشریح دو کارکرد تعریف و استدلال می باشد لذا موضوع علم منطق هم، تعریف و استدلال است و خطا هم در همین ۲ کار رخ می دهد. هنگام روشن کردن تصورات مجھول (تعریف) یا در رسیدن به نتایج جدید (استدلال).

۱۰- گزینه‌ی ۱ هر رشته‌ی علمی دارای اصطلاحات و مفاهیم مخصوص به خود است که آشنایی و تعریف آن مفاهیم دروازه‌ی ورود به آن علم است. ارسطو تلاش کرد تا طرز کار طبیعی ذهن در هنگام تعریف کردن را شناسایی کند و قواعد آن را به دست آورد.

۱۱- گزینه‌ی ۱ هدف منطق، شیوه‌ی درست اندیشیدن را به ما می آموزد.

۱۲- گزینه‌ی ۱ منظور از جامع و مانع بودن تعریف، مساوی بودن معرف با معرف است. شکل منحنی الدور اعم (بزرگ‌تر) از دایره است چون شکل‌های دیگری نظیر بیضی و ... را هم در بر می‌گیرد. تعریف انسان نیز به حیوان دو پا اعم از اوست و حیوانات دیگری را هم دربرمی‌گیرد. در تعریف شتر نیز حیوان دو کوهانه، اخص (کوچک‌تر) از شتر است چون بعضی شترها دو کوهانه هستند.

۱۳- گزینه‌ی ۳ همان‌طور که با یک کودک که مجھولات زیادی دارد باید با زبان روشن و غیرمبهمن حرف زد، در تعریف معرف هم که مجھول بوده برای ما باید تعریف روشن‌تر و اجلی باشد.

۱۴- گزینه‌ی ۴ شیوه شامل مثلاً زیدیه، اسماعیلیه، ۱۲ امامی می‌شود و تعریف آن صرفاً دوازده امامی، اخص بوده و شامل همه شیعیان نمی‌شود. تعریف آتش هم، مبهم‌تر و پوشیده‌تر است.

۱۵- گزینه‌ی ۴ جامع = جامع افراد ≠ اخص / مانع = مانع اغیار ≠ اعم

۱۶- گزینه‌ی ۴ در نصور درباره‌ی واقعیت داشتن یا نداشتن آن یا ارتباط آن با سایر موجودات سخن نمی‌گوییم. «تعریف» را برای رسیدن به چیستی یک مفهوم و یک تصور انجام می‌دهیم.

۱۷- گزینه‌ی ۲ علت اصلی مشکل بودن تعریف‌های این قبیل مفاهیم، پیچیدگی آنها و برداشت‌های مختلفی است که انسان‌ها از این قبیل مفاهیم دارند.

۱ ۲

۱۸- گزینه‌ی ۳ آنچه علم منطق در بخش تعریف بر عهده دارد تبیین همان ۵ قاعده‌ی تعریف است. تعریف و تبیین اشیاء هرگز بر عهده‌ی خود منطق نیست و اگر منطق‌دان پای خود را از قلمرو علم منطق فراتر نهاده و به تعریف یک مفهوم علمی پرداخته، از باب آموزش بوده است.

۱۹- گزینه‌ی ۱ کاری که برای رسیدن به چیستی یک مفهوم انجام می‌دهیم، تعریف است نه تصور! تصور، نوعی علم است.

۲۰- گزینه‌ی ۳ در تعریف مثلث «شکل» باید حتماً به عنوان جنس باید و هر چیزی جای آن (خط و پاره‌خط و ...) بی‌ربط است. تعریفی که برای فعل آورده تعریف به اعم است چون شامل مصدر نیز می‌شود پس مانع نیست. تعریف تصور نیز بی‌ربط هست. تصور از اقسام علم است نه فکر.

۲۱- گزینه‌ی ۲ از شرایط تعریف درست استفاده کردن از حداقل یک مفهوم درونی و ذاتی در تعریف است در غیر این صورت مجھول، روشن و معلوم نمی‌شود.

۲۲- گزینه‌ی ۲ هر دو تعریف، اعم و کلی بوده و مانع نیستند.



۲۳- گزینه‌ی ۴ هر رشته‌ی علمی دارای اصطلاحات و مفاهیم مخصوص به خود است که آشنایی و تعریف آن مفاهیم و اصطلاحات دروازه‌ی ورود به آن علم است. راههای شناختن و شناساندن، متعدد است.

۲۴- گزینه‌ی ۱ تصدیقات معلوم (استدلال) در پاسخ به چرایی می‌آیند و با **چون** آغاز می‌شوند و ذهن انسان به طور طبیعی استدلال می‌کند و نیاز به آموزش ندارد هرچند آموختن منطق و ... درست استدلال کردن را نشان می‌دهد.

۲۵- گزینه‌ی ۱ استدلال به عنوان بخشی از تفکر آدمی، جنبه‌ی غیرارادی و طبیعی دارد و خواسته و ناخواسته، آن را انجام می‌دهیم ولی تفکر، تابع ضوابط و مقرراتی است.

۲۶- گزینه‌ی ۱ وقتی پای قضاوت و نسبت در خصوص مفاهیم به میان می‌آید، با تصدیق سر و کار خواهیم داشت و تصدیق هم دارای قضاوت، حکم و نسبت است.

۲۷- گزینه‌ی ۲ علت اصلی مشکل بودن تعریف‌های این قبیل مفاهیم، پیچیدگی آنها و برداشت‌های مختلفی است که انسان‌ها از این قبیل مفاهیم دارند. تسلط بر قواعد و منطق و تمرین و تجربه در به کارگیری آنها سبب می‌شود که انسان بتواند به تدریج به تعریف‌های نسبتاً جامعی برای این مفاهیم برسد.

۲۸- گزینه‌ی ۳ جامع و دربرگزینده‌ی افراد معرف باشد و چیزی از افراد آن خارج نباشد (کم و کسری نداشته باشد).

۲۹- گزینه‌ی ۱ در ترکیب مفاهیم و تصورات به طور طبیعی به گونه‌ای عمل می‌کنیم که از مفاهیم و کلمات **عام و کلی** تر شروع می‌کنیم و به مفاهیم **جزئی تر** می‌رسیم.

۳۰- گزینه‌ی ۱ مفاهیمی که در تعریف به کار می‌بریم، به گونه‌ای هستند که همه یا بخشی از محتوای درونی ذاتی یعنی حقیقت و ماهیت مجهول را دربرمی‌گیرند. در غیر این صورت، هرگز نمی‌توانیم تعریف دقیقی ارائه دهیم.

۳۱- گزینه‌ی ۲ با توجه به پرسش ۲۷

۳۲- گزینه‌ی ۲ یکی از راههای شناخت مفهوم این است که یکی از مصادق‌های آن را بینیم و سپس تصویری از آن در ذهن شکل بگیرد. «دیدن» نوعی احساس است و از اقسام تفکر قلمداد نمی‌شود.

۳۳- گزینه‌ی ۴

۳۴- گزینه‌ی ۲ تعریف باید روشن‌تر و واضح‌تر (اجلی) باشد.

۳۵- گزینه‌ی ۲ فکر همیشه در معرض خطاست: یا در هنگام تعریف کردن یا در هنگام استدلال کردن.

برای انسان‌های بزرگ، هیچ بن‌بستی وجود ندارد؛ یا راهی خواهد یافت یا راهی خواهد ساخت.